فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی‌ام، بهار ۱۳۹۹- صفحات ۷۰ - ۴۹

بررسی اثر شاخص اسلامی‌شدن مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی

سکینه سجودی[۱]
آیلار جلیلی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۹

چکیده

رشد اقتصادی و توزیع درآمد از مهم‌ترین متغیرهای منعکس‌کننده وضعیت اقتصادی یک جامعه به‌شمار می‌روند و بخش عظیمی از ادبیات اقتصادی به مطالعه متغیرهای مؤثر بر این دو معیار اقتصادی اختصاص یافته است. یکی از عوامل تأثیرگذار بر این دو متغیر نظام مالی حاکم بر جامعه است. اگرچه مطالعات فراوانی در خصوص تأثیر شاخص‌های مختلف توسعه مالی بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمد انجام یافته است، موضوع تأثیر اسلامی‌شدن بازارهای مالی بر این دو متغیر مورد توجه چندانی واقع نشده است. هدف اصلی این مطالعه بررسی اثر شاخص اسلامی‌شدن بازارهای مالی در ایران و برخی کشورهای اسلامی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد این کشورها است. نتایج این مطالعه می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کشورهای اسلامی برای پیشبرد اهداف رشد اقتصادی و عدالت درآمدی مورد استفاده قرار گیرد. برای این منظور با ارایه چارچوب نظری و با استفاده از یک مدل رگرسیونی از داده‌های پانل در کشورهای منتخب اسلامی در دوره ۲۰۱۷-۲۰۱۲ و با استفاده از روش FGLS اثر شاخص کشوری اسلامی‌شدن مالی بر ضریب جینی و رشد تولید ناخالص داخلی سرانه تخمین زده شده است. نتایج نشان می‌دهد که این شاخص اثر مثبت بر بهبود توزیع درآمد دارد ولی اثر آن بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه معنی‌دار نیست.

واژه‌های کلیدی: اسلامی‌شدن مالی، رشد اقتصادی، توزیع درآمد
طبقه‌بندی JEL: D31, O40, G28

۱. استادیار اقتصاد دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول) S_sojudi@tabrizu.ac.ir
۲. کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه تبریز aylar_jalili1990@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

مقدمه

رشد اقتصادی همراه با عدالت یکی از دغدغه‌های اقتصادی دولت است که در برنامه‌های توسعه سال‌های پس از انقلاب اسلامی مورد توجه خاصی قرار گرفته است، برای نمونه در ماده ۴- بند "ز"- قانون برنامه ششم توسعه: دولت مکلف است به منظور نیل به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت نسبت به اعمال سیاست‌های اشتغال‌زایی، مهارت‌افزایی و ارتقای دانش حرفه‌ای و حمایت از مشاغل کوچک خانگی و دانش‌بنیان مبتنی بر سند ملی کار شایسته که حداکثر تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه با پیشنهاد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اتاق تعاون و سازمان به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید، اقدام نماید. بنابراین در کنار ارتقای نرخ رشد اقتصادی، کاهش فقر و نابرابری در صدر اهداف سیاست‌های دولتی بعد از انقلاب بوده است.

کاهش نابرابری درآمدی موضوعی جهانی است که توجه و پاسخ‌گویی متخصصان توسعه و همچنین سیاست‌گذاران و مسئولان برنامه‌ریز در بسیاری از کشورها را به خود جلب کرده است. مسئله افزایش نابرابری‌ها و چالش کاهش فقر در صدر برنامه‌های توسعه در سراسر جهان بوده و هنوز هم در صدر قرار دارد. در سپتامبر سال ۲۰۰۰، رهبران جهان در مقر سازمان ملل به اتفاق آرا اجرای اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد را تصویب نموده و اعضای خود را به مشارکت جهانی جدید متعهد نمودند تا فقر شدید را کاهش دهند و مجموعه‌ای از اهداف معروف به اهداف توسعه هزاره (MDG)[1] با محدودیت زمانی - با مهلت سال ۲۰۱۵ - را اتخاذ کنند (عبدالحمید بشیر، ۲۰۱۸، ص ۹۴). دبیرکل سازمان ملل اظهار داشت، ریشه‌کن کردن فقر شدید همچنان یکی از اصلی‌ترین چالش‌های زمان ما است و نگرانی عمده جامعه بین‌المللی است. پایان دادن به این معضل تلاش‌های مشترک همه، دولت‌ها، سازمان‌های جامعه مدنی و بخش خصوصی را در چهارچوب مشارکت جهانی قوی‌تر و مؤثرتر برای توسعه می‌طلبد (کیمون[2]، ۲۰۰۸، ص ۲). در سپتامبر ۲۰۱۵، جامعه جهانی ۱۷ هدف توسعه پایدار (SDG)[3] را به‌عنوان ادامه MDGs قبلی اتخاذ کرد. ریشه‌کن کردن فقر و مبارزه با گرسنگی بارز در اهداف جدید توسعه در بین SDG ها است (سازمان ملل متحد، شماره دوم، اهداف توسعه پایدار).

فقر یک پدیده چند بعدی است که شامل بسیاری از پدیده‌ها از جمله دسترسی محدود به خدمات اجتماعی (به‌عنوان مثال، آموزش و بهداشت)، درآمد کم، دریافت کالری روزانه کم و حتی امید به زندگی کوتاه‌تر است. گستردگی و چند بعدی بودن فقر باعث شده تا کاهش آن دشوار یا در بهترین حالت چالش برانگیز باشد. درواقع، مسئله کاهش فقر یک چالش مهم در مسیر توسعه است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه با آن روبرو هستند. فقر درآمدی عمدتاً ناشی از رشد کند اقتصادی است.

1. Millennium Development Goals
2. Kimoon
3. Sustainable Development Goals

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

براساس تحقیقات بانک جهانی، کاهش ۱ درصد در نرخ رشد کشورهای در حال توسعه، ۲۰ میلیون نفر دیگر را به دام فقر می‌کشاند. بنابراین چنین نتیجه گرفته می‌شود که وقتی رشد اقتصادی کند می‌شود، تأثیرات منفی بر وضعیت فقر می‌گذارد (ابراهیم، ۲۰۱۰، حسن و همکاران، ۲۰۰۹، دلار و کرای[1]، ۲۰۰۲). بر همین اساس در طول ۷۰ سال گذشته، بانک‌های توسعه چند جانبه (MDB)[2] و نهادهای مختلف سازمان ملل (سازمان ملل) میلیاردها دلار برای تحریک رشد در کشورهای در حال توسعه هزینه نموده‌اند. تنها بانک جهانی بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار برای تأمین اعتبار پروژه‌های کشورهای در حال توسعه پرداخت کرده است. بدون شک این تلاش‌ها نتایج قابل‌ملاحظه‌ای را از نظر گسترش دسترسی به آموزش و خدمات درمانی، ظرفیت‌های ساختمانی، زیرساخت‌ها و افزایش دسترسی به آب، فاضلاب و برق به‌وجود آورده است. با این‌حال، ثمرات این "پیشرفت" به‌ندرت نصیب فقرا شده است، زیرا افزایش سریع درآمد جهانی با افزایش مداوم نابرابری‌های جهانی همراه بوده است (عبدالحمید بشیر[3]، ۲۰۱۸، ص ۹۴). برآوردهای اخیر نشان می‌دهد که تعداد فقرا به حدود ۱/۳ میلیارد افزایش یافته است (صالح، ۱۹۹۹، ص ۲۸). از این‌رو، کاهش روند رو به رشد نابرابری برای سیاست‌گذاران در بسیاری از کشورها در اولویت قرار گرفته است.

دین نقش مهمی در کاهش نابرابری درآمد و بهبود رفاه مردم از طریق افزایش تعهد و مسئولیت اجتماعی می‌تواند داشته باشد، از سوی دیگر دین موجب انباشت سرمایه اجتماعی در اقتصاد می‌شود، که یکی از عوامل مهم در توسعه اقتصادی است (فوکویاما[4]، ۲۰۰۱). در اسلام نهادهای خاصی برای مقابله با نابرابری درآمدی و فقر وجود دارد. اسلام وجود برابری درآمدی در بین مردم را به رسمیت می‌شناسد و راه‌حل‌هایی مانند قرض‌الحسنه، زکات، صدقه و وقف را برای رفع آن ارائه می‌دهد. اما، در مورد تأثیر اسلام بر نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی، تحقیقات کافی وجود ندارد (وان عمر و همکاران[5]، ۲۰۱۷، ص ۶۲).

اسلامی‌شدن اقتصاد به فرآیند ترویج ارزش‌ها و سیاست‌های اسلامی در روند توسعه اقتصادی اطلاق می‌شود که می‌تواند با استفاده از شاخص‌های مختلف تغییرات آن در زمان را اندازه‌گیری نمود. میزان پیروی از اصول و آموزه‌های اسلام (رحمان و عسکری[6]، ۲۰۱۰) در بخش‌های مختلف اقتصاد را می‌توان به‌عنوان شاخص اسلامی‌شدن در آن بخش اقتصاد مورد استفاده قرار داد.

1. Dollar & Kraay
2. Multilateral Development Banks
3. Abdel-Hameed Bashir
4. Fukuyama
5. Wan Omar et al
6. Rehman & Askari

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

اگرچه مطالعات فراوانی درخصوص تأثیر شاخص‌های مختلف توسعه مالی بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمد انجام یافته است، موضوع تأثیر اسلامی‌شدن بازارهای مالی بر این دو متغیر مورد توجه چندانی واقع نشده است. هدف اصلی این مطالعه بررسی روند اسلامی‌شدن بازارهای مالی در ایران و مقایسه آن با سایر کشورهای اسلامی و همچنین بررسی اثر این متغیر بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد این کشورها است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. اسلام، کاهش نابرابری و رشد تولید

فقر برای چندین نسل با شدت متفاوت در مرکز توجه جامعه جهانی بوده است. تحقیقات مربوط به فقر به قرن نوزدهم میلادی باز می‌گردد و از آن زمان، رویکردها و سیاست‌های مختلفی برای مبارزه با فقر وجود دارد (بورگوینون و موریسون[1]، ۲۰۰۲). تقریباً در همه کشورهای در حال توسعه، تلاش‌های هماهنگی برای کمک به فقرا صورت گرفته است. تعداد فزاینده‌ای از کشورهای در حال توسعه برای بهبود زندگی و معیشت میلیاردها نفر از مردم فقیر و آسیب‌پذیر در شبکه‌های تأمین اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کنند[2]. شواهد نشان می‌دهد که چگونه انتقال نقدی شبکه‌های تأمین اجتماعی نه تنها به ملت‌ها کمک می‌کند تا در سرمایه‌های انسانی سرمایه‌گذاری کنند، بلکه به‌عنوان منبع درآمد برای فقرا نیز محسوب شده و سطح زندگی آنها را بهبود می‌بخشد (فیزبین و شیردی[3]، ۲۰۰۹). مطالعات اخیر بانک جهانی نشان می‌دهد که بیش از ۱/۹ میلیارد نفر در حدود ۱۳۰ کشور کم درآمد و متوسط از برنامه‌های خالص تأمین اجتماعی بهره‌مند می شوند (بانک جهانی[4]، ۲۰۱۵، ص ۱).

ظهور اسلام، در گستره جغرافیایی بود که فقر بسیار گسترده بود و اکثر مردم در سطح پایینی از معیشت زندگی می‌کردند. نابرابری در ثروت و دسترسی به خدمات وجود داشت و حتی، خود پیامبر (ص) و بسیاری از اصحابش نیز در فقر زندگی می‌کردند. از این‌رو در آیات و احادیث متعددی به تقبیح این نابرابری پرداخته و برقراری عدالت و برابری را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف دین معرفی نموده‌اند (عبدالحمید بشیر، ۲۰۱۸، ص ۹۷). در آیه ۲۵ از سوره حدید آمده است:

---

1. Bourguignon and Morrison

۲. برنامه‌های خالص امنیت اجتماعی شامل نقل و انتقالات نقدی و غیرنظامی است که به خانواده‌های فقیر و آسیب‌پذیر با هدف حمایت از خانواده‌ها از تأثیر شوک‌های اقتصادی، بلایای طبیعی و سایر بحران‌ها انجام می‌شود.

3. Fiszbein & Schady

4. World Bank

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ
همانا ما پیمبران خود را با ادلّه و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند.

چارچوب نظری در مورد بررسی اثر اسلامی‌شدن بر توزیع درآمد، توسط صادق[1] (۱۹۸۹)، شفیع[2] (۱۹۸۹)، مانان[3] (۱۹۷۰) و سایر اقتصاددانان اسلامی مورد بحث قرار گرفته است. اسلام عامل قیمت‌گذاری مناسب را که براساس مقاصد شریعت است تبیین می‌کند و براساس آن نیز توزیع کارکرد درآمد و ثروت در یک اقتصاد را بیان می‌کند. اگر رشد اقتصادی به‌گونه‌ای باشد که منجر به تمرکز درآمد و ثروت در میان درصد کمی از افراد جامعه شود، رشد اقتصادی به سختی می‌تواند نابرابری درآمد و فقر را کاهش دهد. در چارچوب اقتصادی نئوکلاسیک، عامل قیمت‌گذاری تأثیر قابل‌توجهی بر توزیع درآمد دارد (پن[4]، ۱۹۷۱). اگرچه قرآن و سنت به‌صورت مستقیم به عوامل تولید اشاره مستقیم ندارند، در اسلام اشاره غیرمستقیم به آنها وجود دارد که این شامل: شریعت عاملی را فراهم می‌کند که عادلانه باشد، بنابراین هر عامل تولید پاداش عادلانه‌ای را برای خدمات خود دریافت می‌کند و در نتیجه امکان نابرابری درآمد ناخالص را کاهش می‌دهد. (صادق، ۱۹۸۹). به بیان دیگر، در اسلام مکانیسم قیمت‌گذاری عوامل تولید به نحوی است که درآمد حاصل از تولید در طی یک دوره زمانی بین عوامل تولیدی که در فرآیند تولید دخیل هستند به‌صورت عادلانه توزیع شود. این مکانیسم را در قالب عقود اسلامی به وضوح می‌توان مشاهده نمود.

علاوه بر تقسیم عادلانه درآمدها به عوامل تولید، پرداخت‌های انتقالی توسط دولت و نهاد مربوطه می‌تواند در عادلانه‌تر نمودن توزیع درآمد مؤثر باشد. نهاد مربوطه که به مسئله فقر و نابرابری درآمدی در اسلام می پردازد، بیت‌المال است که درآمد خود را از زکات، صدقه، موقوفات و سایر کمک‌های مسلمانان جمع‌آوری می‌کند (وان عمر و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۶۴). درواقع دو منبع درآمدی اجباری (مانند خمس و زکات) و اختیاری (صدقه و موقوفات) برای دولت اسلامی وجود دارد که از محل آنها می‌تواند پرداخت‌های انتقالی برای برابر نمودن درآمدها انجام دهد. با این اوصاف، این فقط دولت‌ها نیستند که مسئول کاهش فقر و توزیع عادلانه درآمد در جامعه هستند، بلکه هر عضو از جامعه که توان مالی داشته باشد باید در دستیابی جامعه اسلامی به عدالت مشارکت نماید. براین اساس، در اسلام زکات و خمس به‌عنوان نوعی مالیات اسلامی اجباری برای پیشبرد برنامه‌های خیریه و برای

1. Sadeq
2. Shafi
3. Mannan
4. Pen

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

کمک به فقرا و افراد بی‌بضاعت و کاهش نابرابری درآمدی طراحی شده است. علاوه براین پرداخت‌های اجباری، احسان و نیکی به فقرا یکی از دستورات مورد تأکید در آیات و احادیث اسلامی بوده است:

و (ای رسول ما) تو خود حقوق خویشاوندان و ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و رهگذران بیچاره را به حق خودشان برسان و هرگز (در کارها) اسراف روا مدار (قرآن ، سوره اسراء، آیه ۲۶). همچنین استدلال می‌کند که مالک واقعی ثروت، خداوند است و ثروت امانتی است که به ثروتمندان داده شده تا به‌واسطه آن به خیرخواهی نسبت به فقرا مبادرت نمایند:

به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و از آن مال که به وراثت به شما رسانده است انفاق کنید از میان شما هرکه را ایمان آورده و انفاق کرده، مزدی فراوانش دهند (قرآن، سوره حدید، آیه ۷).

در جایی دیگر آمده است:

همانا صدقات (زکات)، برای نیازمندان و درماندگان و کارگزارانِ زکات و جلب دل‌ها و آزادی بردگان و ادای بدهی بدهکاران و (هزینه جهاد) در راه خدا و تأمین در راه مانده است، این دستور، فرمانی است از جانب خدا و خداوند، دانا و حکیم است (قرآن، سوره توبه، آیه ۶۰).

همچنین اشاره شده است که:

مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند به مانند دانه‌ای است که از آن هفت خوشه بروید و در هر خوشه صد دانه باشد، و خداوند از این مقدار نیز برای هرکه خواهد بیفزاید، و خدا را رحمت بی‌منتهاست و (به همه چیز) داناست (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۶۱).

ستون دیگری از شبکه‌های تأمین در اسلام وقف (موقوفات) است. از نظر تاریخی، وقف نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها و جوامع در سراسر جهان اسلام داشته است. به‌عنوان بنیادهای خیریه، موقوفات مؤسسات مهم مالی اسلامی بودند که گردش مالی کمک‌های خیرخواهان و اهداکنندگان به فقرا و جامعه را تسهیل می‌کردند. در حقیقت، وقف منبع اصلی بودجه خدمات رفاهی اجتماعی از جمله آموزش، بهداشت، کتابخانه‌ها، یتیم خانه‌ها و مؤسسات مذهبی است.

در دنیای اسلام امروزی، نهاد وقف تخریب شده است و نقش آن به‌عنوان ابزاری مؤثر برای توسعه اجتماعی و اقتصادی کاهش یافته و اغلب به حاشیه رانده می‌شود. با این حال، نهاد وقف همچنان در ارتقاء وحدت و نیکوکاری در بسیاری از کشورهای اسلامی نقش ایفا می‌کند و یکی از اصلی‌ترین و فعال‌ترین جنبه‌های ساختارهای اجتماعی و اقتصادی دولت است. تقریباً در تمام کشورهای مسلمان، یک سازمان/ بخش خصوصی مسئولیت مراقبت و نظارت بر خواص اوقاف را بر عهده می‌گیرد. این سازمان‌های غیرانتفاعی وظیفه تهیه برنامه‌های پرداختی برای ذینفعان موقوفات را با توجه به شرایط مقرر، پیشنهاد پروژه‌های خیریه مناسب برای واگذاری موقوفات، نظارت بر اجرای اوراق موقوفات و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

هماهنگی با مراجع ذیربط در اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های درآمدی موقوفات را بر عهده دارند (عبدالحمید بشیر، ۲۰۱۸، ص ۱۰۰).

بنابراین هم دولت و هم افرادی از جامعه که استطاعت مالی دارند در قبال فقرا مسئول هستند. با این وجود، اسلام از خود افراد به‌صورت کامل رفع مسئولیت ننموده و به روشنی بیان می‌کند که مردم مسئول بهبود همه جنبه‌ها و شرایط زندگی خود از نظر اجتماعی، اقتصادی و معنوی هستند:

در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. (قرآن، سوره رعد، آیه ۱۱). به این ترتیب، کاهش فقر از طریق تشویق افراد به تلاش بیشتر و کار مجدانه مکانیسم دیگری است که در اسلام برای کاهش فقر و در نتیجه نابرابری درآمد به کار می‌رود. در واقع رویکرد اسلامی برای کاهش فقر فراتر از تشویق مردم به نیکوکاری نسبت به فقراست. کار به‌عنوان روشی برای درآمدزایی بر کاهش فقر از طریق امور خیریه و کمک‌های مالی ترجیح داده می‌شود. در اسلام جایگاه کار و تلاش بالاست. قرآن‌کریم می‌فرماید «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» یعنی «و اینک نیست برای انسان، رسول اکرم (ص) می‌فرماید «هرکس برای کمک به یتیم و بینوایی کار کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد کند، و مانند کسی است که شب را به عبادت می‌گذراند و روز را روزه می دارد». (داستان‌هایی از زندگی پیامبر (ص)، ص، ۱۳۵) همچنین امام باقر (ع) فرمود: «کسی که برای بی نیازی از مردم و تلاش برای (کسب درآمد) خانواده و عطوفت و مهربانی بر همسایه خویش کار می‌کند، روز قیامت در حالی خدا را ملاقات می‌کند که صورتش مثل ماه شب چهاردهم (نورانی) است» (وسائل، ج۱۲، ص۱۱؛ تهذیب، ج۲، ص ۹۸). در حدیثی دیگر پیامبر اعظم می‌فرماید که «عبادت هفتاد بخش است که برترین آن کسب حلال است» (همان؛ فروع، ج۱، ص ۳۴۹).

علاوه بر موارد فوق، اسلام تسهیل دسترسی به منابع مالی را به‌عنوان مکانیسم دیگر افزایش درآمد و کاهش فقر تأیید می‌کند. دسترسی به امور مالی، چه در سطح خرد و کلان، برای رشد در هر اقتصادی ضروری است. در اسلام، دسترسی به امور مالی از طریق کانال‌های مختلفی از جمله قرض‌الحسنه (وام بدون بهره)، وام‌های وثیقه‌دار و سایر روش‌های تأمین مالی سازگار با شرع انجام می‌شود. ثروتمندان انگیزه دارند تا به نیازمندان و فقرا وام دهند. آیات زیادی در قرآن وجود دارد که بر اهمیت اعتبارات رایگان یا تمدید اعتبارات برای مدت معینی تأکید می‌کند.

کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می‌آورد و به سوی او بازگردانده می‌شوید (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۴۵)،

همچنین مستندسازی این وام‌ها به‌صورت کتبی برای محافظت از حقوق مالکیت مهم است. خداوند متعال می‌گوید،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

اگر در سفر بودید و کاتبی نیافتید برای وثیقه دین گروی گرفته شود؛ و اگر برخی از شما برخی دیگر را امین دانست، پس آن کس که امین شمرده شده، باید سپرده وی را بازپس دهد؛ و باید از خداوند که پروردگار اوست، پروا کند. و شهادت را کتمان مکنید، و هر که آن را کتمان کند قلبش گناهکار است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید داناست (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۸۳). همچنین، در قرآن چندین بار به رباخواری اشاره شده‌است. در سوره بقره رباخواری به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند). این به‌خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است». در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است) و اگر کسی اندرز الهی به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق به‌دست آورده، مال اوست؛ و کار او به خدا واگذار می‌شود؛ اما کسانی که بازگردند، اهل آتشند؛ و همیشه در آن می‌مانند. (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۷۵). و یا:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید؛ و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از خودتان است. نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۷۸ و ۲۷۹).

در این جا ذکر این نکته ضروری است که تمامی نهادهای اسلامی که در بخش‌های قبلی ذکر شد، علاوه بر توزیع درآمد بر رشد تولید و اقتصاد نیز اثرگذار هستند، با مباحثی از قبیل پرداخت خمس و زکات این امر محقق می‌شود. این درحالی است که چنین سازوکارهایی که بدون دخالت و اجبار دولت باشند؛ در سایر نظام‌های اقتصادی وجود ندارد. فلسفه زکات عمدتاً رفع فقر و ایجاد عدالت اقتصادی می‌باشد (سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۵۸۳). از این‌رو، زکات می تواند در رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر و توزیع عادلانه‌تر ثروت، نقش‌آفرینی کند. ذکر یک نکته ضروری است و آن این است که به‌منظور بررسی اثر زکات بر تعدیل و توزیع ثروت، ممکن است این‌گونه تلقی شود که زکات به‌عنوان مالیات وارد الگوهای اقتصاد کلان شده و اثرات آن بررسی می‌شود. اما بایستی به این نکته توجه شود که مالیات با زکات متفاوت است. به‌عبارت دیگر، مالیات یک امر متغیر و اجباری است که از طرف دولت تعیین می‌شود؛ در حالی‌که زکات یک عبادت است و بدون دخالت و اجبار دولت می‌باشد. به بیان دیگر، زکات نه تنها یک فریضه دینی است، بلکه یک ابزار مالی بوده و نقش به‌سزایی در رفع نابرابری در جامعه ایفا می‌کند (ابوبکر و عبدالرحمن، ۲۰۰۷، ص ۲۵).

زکات از جمله ضروریات دین است و از عبادات مهم محسوب می‌شود به‌طوری‌که در هر آیه‌ای که قرآن انسان را به نماز دعوت کرده، آن را با زکات مقرون ساخته است (بی آزار شیرازی، ۱۳۵۹،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

ص ۸۱). در واقع مبنای حقوقی دستور شارع مقدس است که صریح‌ترین آیه در تشریع آن، آیه ۱۰۳ سوره توبه قرآن‌کریم می‌باشد. همچنین، طبق شریعت اسلام، زکات به‌صورت اخذ مقداری از ثروت و درآمد فرد مسلمان و تعلق آن به افراد فقیر، مسکین و سایر مشمولان ذکر شده در آیه ۶۰ سوره توبه در قرآن‌کریم تعریف می‌شود. بنابراین، مشاهده می‌شود که مهم‌ترین دلیل اقتصادی تشریع زکات، ایجاد توازن اقتصادی و رفع محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی است و از این‌رو مسأله عدالت اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان زیر بنای حقوقی تشریع زکات می‌باشد.

زکات و خمس به‌عنوان مالیات‌های اسلامی برخلاف مالیات‌های معمول، به‌خاطر ثابت و مستقیم بودن با نرخ کم و تناسبی، اثر منفی بر رشد ندارند (توسلی، ۱۳۸۶، ص ۷). زکات نه تنها فقر را از جامعه ریشه‌کن می‌کند، بلکه زمینه توسعه اقتصادی جامعه را نیز فراهم می‌سازد. از این‌رو، احیای زکات می‌تواند زمینه رشد و پویایی اقتصادی هر جامعه را تأمین کند. بنابراین، یکی از ویژگی‌های اصلی و مهم زکات در این است که می‌تواند به رشد اقتصادی کمک نماید. کمک به رشد اقتصادی از چهار طریق صورت می‌گیرد؛ یعنی زکات با حل مسئله بیکاری، ارتقای سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی و جلوگیری از حبس پول و ثروت‌اندوزی مقدمات رشد اقتصادی را فراهم می‌کند (کاشیان، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴).

مهم‌ترین هدف زکات و خمس، به جهت رفاه، عدالت و رفع فقر است و بیشتر به دنبال فقرزدایی در جامعه و توازن در مصرف است (اثنی عشری و میکائیلی، ۱۳۹۳، ص ۱۰).

علاوه بر آن کار و تلاش یکی از عوامل اصلی رشد اقتصادی محسوب می‌شوند و در واقع تشویق به تلاش در کسب و کار که در آیات به آن اشاره شده است، به نوعی مروج بهره‌وری نیروی انسانی بوده و منبع رشد اقتصادی می‌تواند باشد.

تشویق به قرض‌الحسنه و تسهیل استقراض برای تحریک رشد و افزایش تولید نیز بسیار مهم است. به ویژه، هنگامی که افراد فقیر به امور مالی دسترسی پیدا کنند (از طریق اعتبار خرد)، نابرابری‌ها و فقر کاهش می‌یابد. موفقیت برنامه‌های وام‌های خرد اسلامی در بسیاری از کشورها (به‌عنوان مثال بنگلادش و سودان) گواهی بر اثر بخشی وام‌های خرد در تغییر زندگی افراد فقیر و افزایش رشد اقتصادی است (عبدالحمید بشیر، ۲۰۱۸، ص ۹۹).

در جمع‌بندی این بخش می‌توان چنین عنوان نمود که سیستم اقتصادی اسلام بر عادلانه بودن توزیع درآمد در بین عوامل اقتصادی از طریق شیوه‌های قیمت‌گذاری در عقود اسلامی تأکید داشته و علاوه بر آن به تأمین مالی پروژه‌های فقرزدایی و عدالت گستری از طریق پرداخت‌های اجباری همچون زکات تکیه دارد. همچنین ضمن تشویق افراد به قرض‌الحسنه، ربا را مذموم دانسته و آن را مخل سیستم اقتصادی دانسته است. بنابراین انتظار می‌رود حرکت به سمت اسلامی نمودن سیستم

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

مالی به کاهش نابرابری درآمدی کمک نموده و فقر را کاهش دهد. علاوه نهادهای اسلامی مذکور که اکثراً مالی هستند از طریق تأمین مالی کلان مخارج عمومی، افزایش بهره‌وری نیروی انسانی و تسهیل تأمین در سطوح خرد به رونق تولید و رشد اقتصادی نیز منتهی خواهند شد.

۱-۲. رابطه رشد اقتصادی و نابرابری در ادبیات اقتصادی تعارف

مطالعات مربوط به رابطه بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی از زمان انتشار آثار سیمون کوزنتس[1](۱۹۵۵) بسیار فعال بوده است، که بیانگر رابطه بین مراحل توسعه اقتصادی و نابرابری درآمد است. در ابتدا، نابرابری درآمد در مراحل اولیه توسعه اقتصادی در یک کشور در حال توسعه افزایش یافته و به اوج نابرابری می‌رسد. در مرحله دوم نابرابری درآمد در مرحله بلوغ توسعه اقتصادی کاهش می‌یابد. منحنی کوزنتس یک رابطه U معکوس بین نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی است. درباره تأثیر نابرابری درآمد بر رشد اقتصادی بحث قطعی وجود ندارد، زیرا برخی از مطالعات تأثیر مثبتی را نشان می‌دهند (بارو[2]، (۲۰۰۰)، لی و زو[3]، (۲۰۰۲) و همکاران)، درحالی‌که سایر محققان تأثیر منفی در نتایج مطالعه خود نشان می‌دهند (آلسینا و رودریک[4]، (۱۹۹۱)، استیگلیتز[5]، (۲۰۱۲) و همکاران). ارتباط مثبت بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی را می‌توان به‌صورت زیر توضیح داد. در کشورهای توسعه‌یافته، نرخ پس‌انداز مردم ثروتمند بالاتر از فقرا است. توزیع مجدد درآمد از افراد ثروتمند به مردم فقیر نرخ پس‌انداز اقتصاد را به‌عنوان یک کل کاهش می‌دهد و این امر می‌تواند به کاهش رشد اقتصادی منجر شود. دلیل دیگر این است که توزیع مجدد درآمد می‌تواند موجب کاهش انگیزه در ثروتمندان برای انجام کار بیشتر و سخت شود که این امر نیز موجب کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. به‌عنوان یک نتیجه می‌توان استنباط کرد که برابری درآمد موجب رشد اقتصادی پایین‌تر و نابرابری درآمد باعث بالا رفتن رشد اقتصادی است. در همین حال، رابطه منفی بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی را می‌توان به‌صورت زیر توضیح داد. در کشورهای در حال توسعه، مردم فقیر تحت محدودیت‌های اعتباری هستند. براین اساس آنها هیچ فرصتی برای سرمایه‌گذاری را نداشته و مردم بسیار فقیر در نابرابری درآمد حتی نمی‌توانند در فعالیت‌های تولیدی شرکت کنند. در این شرایط نابرابری درآمد ممکن است به بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی و در نتیجه به کاهش رشد اقتصادی منجر

1. Simon Kuznets
2. Barro
3. Li & Zou
4. Alesina and Rodrik
5. Stiglitz

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نابرابری درآمد باعث کاهش رشد اقتصادی و برابری درآمد موجب افزایش آن خواهد بود (شین[1]، ۲۰۱۲).

نیکلاس کالدور[2] ضمن ارائه مدلی بر اهمیت توزیع نابرابر درآمد بر اهمیت توزیع نابرابری درآمد بر رشد تأکید کرد. در مدل او از آنجا که در مقایسه درآمد ناشی از سود با درآمد ناشی از دستمزد، نرخ پس‌انداز بالاتری را می‌توان از طریق افزایش نرخ کسب درآمد ناشی از سود به‌دست آورد، توزیع درآمد بین سود و دستمزد مهم‌ترین محرک رشد از طریق انباشت سرمایه است. درواقع دلالت مدل کالدور چنین است که اگر سهم بیشتری از درآمد را سود تشکیل دهد، احتمال پس‌انداز بیشتر شده و در نتیجه مسیر رشد اقتصادی هموارتر است به‌همین جهت حداقل در مراحل اولیه توسعه اقتصادی توزیع درآمد مطلوب‌تر است (اوصاف احمد، ۱۹۸۴).

۲. پیشینه تحقیق

دراین بخش به بررسی مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع پرداخته، ابتدا مطالعات انجام شده در خارج و سپس مطالعات داخل کشور مرور می‌شود.

جاله[3] (۱۹۹۴)، در مطالعه خود به بررسی تأثیر زکات بر نابرابری درآمد در کشور پاکستان طی سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۸ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که زکات، نابرابری درآمدی در کشور پاکستان را کاهش می‌دهد.

زین‌العابدین (۱۹۹۷)، در مطالعه خود تحت عنوان زکات و کاهش فقر در جهان اسلام نشان می‌دهد که بسیاری از کشورهای مسلمان می‌توانند فقر را در جوامع خود از طریق مؤسسات زکات از بین ببرند؛ درصورتی‌که جمع‌آوری آن از طریق قانون مقرر شود، منابع آن گسترش یابد تا تمام ابزار کسب ثروت را شامل شود و فقط برای اعضای نیازمند جامعه هزینه شود. همچنین، این محقق بیان می‌کند که همبستگی متقابل میان مسلمانان در سطح جهان با دعوت به انتقال مازاد زکات از کشورهایی ثروتمند و کشورهای فقیر، به کاهش فقر در جهان اسلام کمک به‌سزایی می‌کند.

عبدالباکی[4] (۲۰۰۶)، در مطالعه خود تحت عنوان اثر زکات بر فقر و نابرابری درآمد در بحرین به تحلیل این موضوع می‌پردازد که چگونه زکات می‌تواند شکاف درآمدی را رفع کرده و فقر را در جامعه اسلامی ریشه‌کن کند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش، پیشنهاد می‌شود همان‌طورکه

1. Shin
2. Nichols Kaldor
3. Jehle
4. Abdelbaki

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

زکات از افراد حقیقی اخذ می‌شود؛ به‌منظور جمع‌آوری زکات از بخش‌های مختلف، ادارات و نهادها نیز می‌بایست قانون وضع شود.

کبیر حسن و جوانید مسرورخان (۲۰۰۷)، به بررسی آثار زکات در برنامه توسعه بنگلادش پرداخته‌اند. به اعتقاد ایشان اگرچه دولت بنگلادش تلاش زیادی برای کاهش فقر می‌کند، اما هنوز به زکات به‌عنوان برنامه‌ای در الگوی توسعه این کشور که بتواند در کاهش فقر نقش داشته باشد، توجه نکرده است. ایشان در ادامه به بررسی درآمدهای حاصل از زکات می‌پردازد و نشان می‌دهند که اگر دولت به مسئله زکات توجه نماید دراین صورت، مقدار قابل‌توجهی از مخارج برای کاهش فقر را تأمین می‌کند. بنابراین، پولی را که برای تأمین مالی منابع لازم برای فقر استفاده می‌کرده است را می‌تواند در جهت سرمایه‌گذاری و ایجاد توسعه اقتصادی خرج نماید (به نقل از عسگری و کاشیان، ۱۳۸۹، ص۹).

حسن (۲۰۱۰)، در مطالعه خود تحت عنوان الگوی کاهش فقر ادغامی از زکات، اوقاف و تأمین مالی خرد، الگویی را ارایه می‌کند که در آن، دو ابزار سنتی اسلام برای تعدیل فقر یعنی زکات و اوقاف را با مفهوم تأمین مالی خرد اسلامی جمع می‌کند. نتیجه حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد چنین الگویی منجر به منفعت‌رسانی به رفاه کل جامعه می‌شود. اگر سازمان ها و تشکیلات غیردولتی را وارد الگو کنیم، منفعت کل بیشتر خواهد بود.

خلفائی (۲۰۱۵)[1]، در مطالعه خود به بررسی تأثیر ارتباط اسلام و رشد اقتصادی از یک‌سو و عوامل مؤثر بر این ارتباط از سوی دیگر با استفاده از داده‌های پانلی در ۲۰ کشور مسلمان طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که اسلام، رشد اقتصادی را بهبود نمی‌بخشد. به‌عبارت دیگر در رگرسیون اول اسلام با رشد اقتصادی همبستگی منفی دارد و در رگرسیون دوم و سوم نشان می‌دهد که تأثیر اسلام جزئی و منفی است به‌گونه‌ای که کشورهای اسلامی نرخ بی‌سوادی و بیکاری بالایی دارند.

دالی و فریخا [2] (۲۰۱۵)، در مطالعه خود با معرفی بانک‌های اسلامی و شناسایی نیاز به زکات به‌عنوان ابزاری برای تأمین ثبات اقتصادی- اجتماعی و تثبیت چرخه اقتصادی، نقش اساسی در اقتصاد اسلامی دارد. به این معنی که زکات شکاف بین ثروت‌مندان و فقر را کاهش می‌دهد.

وان عمر و همکاران[3] (۲۰۱۵)، در مطالعه خود به بررسی تأثیر اسلامی‌شدن بر نابرابری درآمد و روند رشد اقتصادی در مالزی با استفاده از رویکرد ARDL طی سال‌های ۱۹۶۹ تا ۲۰۱۳ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که اسلام ارتباط معنی‌داری در نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی مالزی دارد.

1. Khalfaoui
2. Daly & Frikha
3. Wan Omar et al.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

عبدالحمید بشیر (۲۰۱۸)، در مطالعه خود رویکرد اسلامی را با تمرکز بر سازوکارهای اصلی (زکات و صدقه) که برای کاهش نابرابری ها مورد استفاده قرار گرفته است، برای کاهش نابرابری درآمد و فقر بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که جمع‌آوری و استفاده مؤثر از عواید حاصل از زکات و صدقه سازوکارهایی است که اسلام برای توزیع مجدد درآمد و کاهش نابرابری درآمدی از سوی اسلام حمایت می‌کند.

کوران[1] (۲۰۱۸)، در مطالعه خود به بررسی روابط علّی بین اسلام و عملرد اقتصادی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که روزه گرفتن زنان باردار در ماه مبارک رمضان برای بارداری مضر است و باعث زایمان زودرس می‌شود؛ مؤسسات خیریه اسلامی اغلب به نفع طبقه متوسط است؛ اسلام به نتایج آموزش کمتر از طریق پژوهش اسلامی نسبت به فاکتورهای ساختاری که به‌طور کلی باعث نقص یادگیری می‌شوند، تأثیر می‌گذارد؛ تأمین مالی اسلامی به سختی روی رفتارهای مالی مسلمانان تأثیر می‌گذارد؛ و اعتماد عمومی پایین، تجارت مسلمانان را تضعیف می‌کند.

زمانی‌فر (۱۳۸۲)، در مطالعه خود به بررسی توانایی زکات بالقوه در رفع فقر استان‌های تهران، سمنان، اصفهان، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، بوشهر و ایلام پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که مقایسه درآمدهای حاصل از زکات بالقوه دلالت بر آن دارد که درآمد به تنهایی برای رفع فقر استان‌های مورد نظر کفایت نمی‌کند.

کمیجانی و عسکری (۱۳۸۳)، در مطالعه خود تحت عنوان تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه تورمی، نتایج حاصل از وضع این دو نوع مالیات را بر رشد اقتصادی، تورم و رفاه اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهند. نتایج نشان می‌دهد که تعلق زکات به مال راکد و عدم‌تعلق آن به سپرده‌های پس‌انداز، می‌تواند موجبات سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را فراهم آورد. این درحالی است که اثرات مالیه تورمی بر رشد قابل اعتنا نمی‌باشد. اگرچه یک رابطه مستقیم بین تورم و مالیه تورمی وجود دارد، زکات از یک سو تثبیت‌کننده خودکار اقتصادی و از سوی دیگر موجب چرخش مال از صاحبان ثروت به فقرا و نوعی نظام تخصیص مجدد منابع است.

گیلک حکیم آبادی (۱۳۸۵)، با مطالعه موردی استان گلستان به بررسی تأثیر زکات (گندم و جو) در کاهش فقر پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد اگر زکات با درایت و مدیریت گردآوری و هزینه شود، قادر به تأمین مالی گروه بزرگی از فقیران است. ویژگی عمده این تحقیق در طرح مباحث اساسی فقهی اقتصادی زکات، به‌ویژه در برآورد صحیح و همچنین مصارف آن است.

1. Kuran

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

توسلی (۱۳۸۸)، در مطالعه خود زکات و اثر آن بر رشد و توسعه اقتصادی را ارزیابی نموده است. نتایج نشان می‌دهد زکات نه تنها اثر منفی بر رشد و توسعه اقتصادی نداشته، بلکه آثار مثبت بر آن داشته است.

عسکری و کاشیان (۱۳۸۹)، به منظور بررسی فرضیه کفایت زکات با فرض انحصار آن در موارد نه گانه، با استفاده از روش تحلیل آماری، به محاسبه ظرفیت بالقوه زکات، زکات فطره و خمس در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. نتایج بررسی آنها نشان داده است که در سال‌های اخیر، درآمدهای خمس و زکات آن قدر زیاد بوده که برای رفع فقر در جامعه کفایت می‌کرده است. به طور ضمنی نشان می‌دهد که فتوای فقهای شیعه مبنی بر انحصار زکات در موارد نه گانه، از نظر تجربی، منافاتی با فلسفه اصلی وضع زکات نداشته است.

شعبانی و کاشیان (۱۳۹۲)، در مطالعه خود ظرفیت بالقوه زکات پول در اقتصاد ایران مورد بررسی قرار گرفته است و میزان کارایی آن را در رفع فقر مورد آزمون قرار داده‌اند. نتایج تحقیق نشان داده است که بر مبنای مانده سپرده‌های بانکی بخش خصوصی، میزان زکات بالقوه پول توانایی قابل‌توجهی در رفع فقر داشته و می‌تواند سطح مخارج دهک اول و دوم در نیازهای اساسی را به ترتیب به سطح زندگی دهک‌های دوم و سوم ارتقا دهد.

اثنی‌عشری و میکائیلی (۱۳۹۲)، در مطالعه خود به بررسی تأثیر زکات بر فقرزدایی و رشد اقتصادی: مطالعه موردی استان‌های شمالی (مازندران، گیلان و گلستان) طی دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ با استفاده از روش مقایسه‌ای و به‌صورت توصیفی پرداخته‌اند. نتایج بیانگر نقش مؤثر و معنی‌دار درآمد زکات بر رشد اقتصادی استان‌های منتخب بوده است.

اکبریان و ساجدیان‌فرد (۱۳۹۳)، در مطالعه خود به بررسی اثر زکات بر تعدیل و توزیع ثروت و رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که زکات باعث توزیع مناسب ثروت در جامعه می‌شود و همچنین زکات از طریق اثرگذاری بر مصرف و پس‌انداز و در نتیجه سرمایه‌گذاری موجب رشد اقتصادی می‌شود.

۳. روش تحقیق

کشورهای منتخب در این مطالعه را ایران و ۱۶ کشور اسلامی الجزایر، آذربایجان، مصر، ایران، اندونزی، اردن، قزاقستان، مالزی، موریس، نیجریه، پاکستان، سنگال، آفریقای جنوبی، سری‌لانکا، ترکیه، تونس و غنا شامل می‌شود. داده‌ها برای سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ جمع‌آوری گردیده است و تخمین با

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

استفاده از روش پانل دیتا و با نرم‌افزارهای استاتا[1] و اکسل[2] انجام شده است. با ذکر این نکته که تمامی اطلاعات آماری مربوط به متغیرهای به کار برده شده در این مطالعه به‌جز شاخص اسلامی‌شدن مالی از پایگاه داده‌های آماری بانک جهانی استخراج شده است. آمار مربوط به شاخص اسلامی‌شدن مالی کشوری[3] (IFCI) از سال ۲۰۱۱ توسط بانک اسلامی دبی[4] ایجاد شده است و قدیمی‌ترین شاخص برای رتبه‌بندی کشورهای مختلف با توجه به وضعیت بانکی و امور مالی اسلامی (IBF) و نقش رهبری آنها در صنعت در سطح ملی و بین‌المللی است.

در این مطالعه از دو الگوی زیر برای بررسی اثر شاخص اسلامی‌شدن مالی بر روی دو متغیر رشد اقتصادی و توزیع درآمد استفاده شده است.

$$ln(Gini)_{it} = \alpha_{it} + \beta lnY_{it} + \gamma(ln(Y)\text{^}2)_{it} + \delta ln(Hc)_{it} + \delta ln(Islam)_{it} + \theta ln(OP)_{it} + \varepsilon_{it} \qquad (۱)$$

که در آن:

$Gini_{it}$: ضریب جینی به‌عنوان معیاری از شاخص نابرابری، Y_{it}: لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت، که با توجه به ادبیات اشاره شده به منظور کنترل اثر کوزنتسی، توان دو این متغیر نیز در مدل وارد شده است، HC_{it}: معرف سرمایه انسانی (که از شاخص درصد ثبت نام کننده در دبیرستان به کل جمعیت استفاده شده است)، OP: درجه باز بودن تجاری که از مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی حاصل می‌شود، $Islam_{it}$: شاخص اسلامی‌شدن مالی و ε_{it} خطای تصادفی است. همچنین برای تخمین معادله رشد تولید ناخالص داخلی از رابطه زیر استفاده شده است:

$$LnY_{it} = B_0 + B_1 LnGini_{it} + B_2 Indust_{it} + B_3 LnOP_{it} + B_4 LnHC_{it} + B_5 LnIslam_{it} + \qquad (۲)$$

در این رابطه Indust نشان‌دهنده نسبت ارزش افزوده بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی است.

۴. یافته‌های تحقیق

با توجه به استفاده از روش پانل دیتا در این مطالعه، ابتدا پیش‌آزمون‌های لازم برای تعیین دقیق روش تخمین انجام گرفته است. براساس آزمون F همگن بودن مقاطع و آزمون هاسمن در هر دو معادله روش اثرات ثابت به‌عنوان روش مناسب تعیین‌شده و معادلات ۱ و ۲ براساس این روش

1. STATA 14
2. Excel 2013
3. Islamic Finance Country Index
4. Dubai Islamic Bank

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

تخمین‌زده شد. بعد از تخمین معادلات به روش اثرات ثابت، آزمون‌های تشخیص جهت آزمون وجود همسانی واریانس و عدم خودهمبستگی سریال انجام شد که نتایج نشان‌دهنده نقض فروض رگرسیون کلاسیک همسانی واریانس و عدم‌خودهمبستگی بود. از این‌رو، معادلات ۱ و ۲ به روش FGLS تخمین زده شده است که نتایج آن در جدول های (۱) و (۲) ارائه شده است.

طبق نتایج جدول ۱، تمامی متغیرهای مدل به‌جز سرمایه انسانی در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار بوده و بر روی توزیع درآمد تأثیر دارند. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش FGLS در جدول ۱، نشان می‌دهد متغیر لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار و مجذور لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه دارای تأثیر منفی معنی‌دار بر توزیع درآمد است؛ به این معنی که هرچه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی یا به‌عبارتی رشد اقتصادی بیشتر باشد، باعث بهبود توزیع درآمد می‌شود اما مطابق با فرضیه کوزنتس علامت ضریب لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه مثبت و علامت ضریب مجذور لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه منفی است. کوزنتس بیان می‌دارد که در مراحل اولیه توسعه، توزیع درآمد رو به وخامت می‌گذارد (بیشتر شدن ضریب جینی) و در مراحل بعد توسعه، توزیع درآمد بهبود می‌یابد (کاهش ضریب جینی). در نتیجه یک رابطه به شکل U معکوس بین رشد تولید و ضریب جینی باید وجود داشته باشد. لگاریتم اسلامی‌شدن مالی داری تأثیر منفی و معنی‌داری بر توزیع درآمد است؛ به این معنی که هرچه مقدار شاخص اسلامی‌شدن مالی بیشتر باشد، توزیع درآمد بهتر خواهد بود.. متغیر درجه باز بودن تجاری دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر توزیع درآمد است درحالی‌که متغیر ثبت نام کنندگان در مدارس دبیرستان دارای تأثیر منفی بر توزیع درآمد است و از لحاظ آماری در سطح ۱۰ درصد معنی‌دار است. این بدان معنی است که درجه بازبودن بالاتر با بدترشدن توزیع درآمد همراه است ولی بهبود سرمایه انسانی توزیع درآمد را نیز بهبود می‌بخشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

جدول۱. نتایج تخمین اثر اسلامی‌شدن مالی بر ضریب جینی با استفاده از روش FGLS

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	ارزش احتمال
LnY	۲/۷۲۸۹	۱/۱۵۱۶	۲/۳۷	۰/۰۱۸
LnY^2	-۰/۱۵۰۸	۰/۰۶۳۳	-۲/۳۸	۰/۰۱۷
LnIslam	-۰/۰۳۴۹	۰/۰۱۳۹	-۲/۴۹	۰/۰۱۳
Op	۰/۰۰۲۴	۰/۰۰۰۹	۲/۶۶	۰/۰۰۸
H	-۰/۰۰۴۴	۰/۰۰۲۵	-۱/۷۵	۰/۰۸۱
-cons	-۸/۷۳۸۹	۵/۲۴۹۱	-۱/۶۶	۰/۰۹۶
Wald chi2(5)= ۲۲/۰۰		Prob>chi2= ۰/۰۰۰۵		Log likelihood= ۱۹/۷۷۸۶۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

براساس نتایج جدول ۲، متغیرهای درجه باز بودن تجاری و سرمایه انسانی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار هستند. متغیر درجه باز بودن تجاری و متغیر سرمایه انسانی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارند. نتایج تخمین در این جدول نشان می‌دهد متغیر لگاریتم اسلامی تاثیر معنی‌داری بر رشد اقتصادی ندارد. متغیر لگاریتم ضریب جینی به‌عنوان معیاری از شاخص نابرابری و متغیر سهم ارزش افزوده صنعت نیز تأثیر معنی‌داری بر رشد تولید ناخالص داخلی ندارند.

جدول ۲. نتایج تخمین اثر اسلامی‌شدن مالی بر رشد اقتصادی با استفاده از روش FGLS

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	ارزش احتمال
LnIslam	-۰/۰۲۷۲	۰/۰۳۷۱.	-۰/۷۳	۰/۴۶۴
Op	۰/۰۰۴۷	۰/۰۰۲۱	۲/۲۱	۰/۰۲۷
H	۰/۰۲۷۳	۰/۰۰۴۳	۶/۳۲	۰/۰۰۰
LnGini	-۰/۰۸۵۷	۰/۳۱۵۹	-۰/۲۷	۰/۷۸۶
Indust	۳. ۰۸e-۱۳	۵. ۵۹e-۱۳	۰/۵۵	۰/۵۸۱
-cons	۸/۴۵۳۶	۱/۱۴۳۸	۷/۳۹	۰/۰۰۰
Wald chi2(4)= ۷۶/۷۸		Prob>chi2= ۰/۰۰۰۰		Log likelihood= -۱۷/۰۱۷۴۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

۵. نتیجه‌گیری

اسلام دین عدالت و مساوات است. در احادیث و آیات به لزوم توجه به مسئله فقر و تلاش برای برقراری عدالت اشارات فراوانی شده است و در نظام اقتصادی اسلام مکانیسم‌های مختلفی برای عادلانه نمودن توزیع درآمد اندیشیده شده است. علاوه بر این، کسب روزی حلال مورد تشویق قرار گرفته و مالکیت خصوصی که موتور افزایش ثروت و در نتیجه رشد جوامع است به رسمیت شناخته شده است. براساس اصول و مبانی اقتصادی اسلام، انتظار بر این است که این دین در پیشبرد اهداف اقتصادی از جمله توزیع عادلانه درآمد و کاهش فقر و همچنین توسعه و رشد اقتصادی نقش به‌سزایی داشته باشد. با این اوصاف در بسیاری از کشورهای اسلامی وضعیت این دو شاخص اسلامی چندان خوب نیست. برخی مطالعات با بررسی اثر مسلمان بودن یا نبودن کشورها بر این دو متغیر این‌گونه نتیجه گرفته‌اند که اسلام اثر منفی بر این متغیرها داشته است. درصورتی‌که مسلمان بودن یک کشور به مفهوم عمل به اصول اقتصادی اسلام در آن کشور نمی‌باشد. این مطالعه با بررسی اثر شاخص اسلامی‌شدن مالی در نمونه کوچکی از کشورهای اسلامی نشان داد که بالا بودن این شاخص در بهبود وضع توزیع درآمد در این کشورها تأثیر مثبت داشته است. با این وجود رشد اقتصادی این کشورها از این شاخص متأثر نشده است. براساس یافته‌های این مطالعه و با توجه به غفلت اغلب کشورهای اسلامی از برخی نهادهای اسلامی مانند زکات می‌توان عنوان نمود که پیاده‌سازی اصول اسلامی در اقتصاد کشورها می‌تواند در بهبود برخی از شاخص‌های توسعه مانند توزیع درآمد نقش بالایی داشته باشد و چه بسا با عمق بخشیدن به اصول اسلامی در ساختار اقتصادی و مالی برخی شاخص‌های دیگر نیز رو به بهبود گذارند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

منابع

۱. اثنی‌عشری، ابوالقاسم و میکائیلی، سیده‌وجیهه (۱۳۹۳). "تأثیر زکات بر فقرزدایی و رشد اقتصادی: مطالعه موردی استان‌های (مازندران، گیلان و گلستان)". *پژوهش‌های مالیه اسلامی*. سال ۲، شماره ۳، صص ۲۴-۷.

۲. اکبریان، رضا و ساجدیان‌فرد، نجمه (۱۳۹۳). "اثر زکات بر تعدیل و توزیع ثروت و رشد اقتصادی". *فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۸، صص ۴۷-۷۴.

۳. بی‌آزاری شیرازی، عبدالکریم (۱۳۵۹). "*رساله نوین- تحریرالوسیله امام خمینی مسایل اقتصادی*". چاپ اول. تهران: موسسه انجام کتاب.

۴. توسلی، محمدحسین (۱۳۸۸). "زکات و اثر آن بر رشد و توسعه اقتصادی". *مجموعه مقالات دومین همایش مالیات های اسلامی*. قم: دانشگاه مفید.

۵. زمانی‌فر، حسین (۱۳۸۲). "ارزیابی توان فقرزدایی زکات در برخی از استان های منتخب". *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران*، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.

۶. زین‌العابدین، طیب (۱۹۹۷). "زکات و کاهش فقر در جهان اسلام". مترجم: محمدعباس‌پور، مشکوه، شماره ۵۸ و ۵۹، صص ۵۱-۸۸.

۷. سبحانی، حسن (۱۳۹۱). *گسترده اقتصاد اسلامی*. چاپ اول. تهران: سمت.

۸. شعبانی، احمد و کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۹۲). "زکات پول از منظر فقه فریقین و بررسی ظرفیت بالقوه آن در فقرزدایی (مطالعه سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ اقتصاد ایران)". *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال ۶، شماره ۱۱، صص ۳۵-۶۰.

۹. عسکری، محمدمهدی و کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۸۹). "آزمون بسندگی زکات و خمس در تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷". *معرفت اقتصادی*، سال ۲، شماره ۱، پیاپی سوم، صص ۵-۳۴.

۱۰. کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۸۳). "نقش بالقوه زکات در کمک به فرآیند توسعه اقتصادی کشورهای مسلمان". بلغ مبین، شماره ۲۱ تا ۲۳، صص ۱۳۷-۱۵۸.

۱۱. کمیجانی، اکبر و عسکری، محمدمهدی (۱۳۸۳). "تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه تورمی". *مجله تحقیقات اقتصادی*. شماره ۶۴، صص ۷۳-۱۰۲.

۱۲. گیلک‌حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۸۵). "بررسی توان زکات گندم و جو در کاهش فقر، مطالعه موردی استان گلستان". *نامه مفید*، شماره ۵۴، صص ۱۰۱-۱۲۲.

۱۳. مهرگان، نادر، موسایی، میثم و کیهانی حکمت، رضا (۱۳۸۷). "رشد اقتصادی و توزیع درآمد". *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*. دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۵۷-۷۷.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

14. Abdelbaki, H. H. (2013). The Impact of Zakat on Poverty and Income Inequality in Bahrain. *Rev. Integr. Bus. Econ. Res*, 2(1), pp: 133-154.
15. Ahmad, A. (1984). A macro model of distribution in an Islamic economy. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 2(1).
16. Alesina, A., & Rodrik, D. (1991). Distributive Politics and Economic Growth. *NBER Working Paper*, No. 3668.
17. Barro, R. J. (2000). Inequality and Growth in a Panel of Countries. *Journal of economic growth*, *5*(1), 5-32.
18. Bashir, A. H. M. (2018). Reducing Poverty and Income Inequalities: Current Approaches and Islamic Perspective. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 31(1), pp: 93-104.
19. Daly, S., & Frikha, M. (2015). Islamic Finance in Favor to Development and Economic Growth: An Illustration of the Principle of "Zakat". *Arabian J Bus Manag Review*, 5, 145.
20. Dollar, D., & Kraay, A. (2002). Growth is Good for the Poor. *Journal of economic growth*, 7(3), 195-225.
21. Fiszbein, A., & Schady, N. R. (2009). "Conditional Cash Transfers: Reducing Present and Future Poverty. The World Bank.
22. Fukuyama, F. (2001). Culture and Economic Development. *In International Encyclopedia of Social and Behavioral Sciences*, by Francis Fukuyama. Amsterdam, Holland: Elsevier Scienc.
23. Harris, R., & Sollis, R. (2003). Applied time series modeling and forecasting .
24. Hassan, M. K. (2010). An integrated poverty alleviation model combining zakat, awqaf and micro-finance. In *Seventh International Conference–The Tawhidic Epistemology: Zakat and Waqf Economy, Bangi, Malaysia*. pp: 261-281.
25. Hasan, R., Magsombol, M. R., & Cain, J . S. (2009). Poverty Impact of the Economic Slowdown in Developing Asia: Some Scenarios. *Asian Development Bank Economics Working Paper,* (153). Retrieved from:
26. https://www.adb.org/sites/default/files/publication/28244/economicswp153. Pdf
27. Ibrahim, M. J. (2010). The Challenge of Poverty Reduction in IDB Member Countries in the Post-Crisis World (IDB Occasional Paper No. 15). Jeddah: Islamic Development Bank.
28. Jehle, G. A. (1994). Zakat and inequality: some evidence from Pakistan. *Review of Income and Wealth*, 40(2), 205-216.
29. Khalfaoui, H. (2015). Islam and Economic Growth. *International Journal of Science Studies*, 3(6), pp: 62-69.
30. Ki-moon, B. (2008). Committing to action: achieving the Millennium Development Goals. High-level event on the Millennium Development Goals, Background note by the Secretary General. Retrieved from:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

31. http://www.un.org/millenniumgoals/2008highlevel/pdf/ commiting.pdf
32. Kuran, T. (2018). Islam and economic performance: Historical and contemporary links. *Journal of Economic Literature*, *56*(4), 1292-1359.
33. Kuznets, S. (1955). Economic growth and income inequality. *The American economic review*, 45(1), 1-28.
34. Li, H., & Zou, H. F. (2001). Income inequality is not harmful for growth: theory and evidence. *Review of development economics*, 2(3), 318-334.
35. Mannan, M. A. (1970). *Islamic Economics.* Lahore, Pakistan: Ashraf Publication.
36. Nur Barizah, A. B., & Abdul Rahim, A. R. (2007). A Comparative study of zakah and modern taxation. *J. KAU: Islamic Econ*, 20(1), pp: 25-40.
37. Omar, W. A. W., Rahim, H. A., & Hussin, F. (2017). The Impact of Islamization on Income Inequality and Economic Growth Nexus in Malaysis. *Journal of Applied Business and Economic Research*, 15(6), pp: 61-80.
38. Pen, J. (1971). *Income Distribution.* London: Penguin Books.
39. Rehman, S. S., & Askari, H. (2010). An Economic IslamicityIndex (EI2). *Global Economy Journal*, 10(3), pp: 1-37.
40. Sadeq, A. H. M. (1989). Factor Pricing and Income Distribution from Islamic Perspective. *Journal of Islamic Economics*, 2(1): pp: 45-64.
41. Salih, S. A. (1999). *The Challengges of Poverty Alleviation in IDB Member Countries*. Islamic Development Bank.
42. Shafi, M. M. (1979). *Distribution of wealth in Islam*. Ashraf Publications, Karachi.
43. Shin, I. (2012). Income inequality and economic growth. *Economic Modelling*, 29(5), pp: 2049-2057.
44. Stiglitz, J. E. (2012). *The price of inequality: How today's divided society endangers our future*. WW Norton & Company.
45. United Nations. (n.d.). Sustainable Development Goals: 17 Goals to Transform Our World. Retrieved from: https://www.un.org/sustainabledevelopment/
46. United Nations. (n.d.). We Can End Poverty: Millennium Development Goals and Beyond 2015. Retrieved from: http://www.un.org/millenniumgoals/
47. World Bank. (2015). The State of Social Safety Nets 2015. Washington, DC: World Bank.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]